

بولتن کارگری

شماره 5

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد



سخنرانی رضا شهابی در پنجاه و دومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار فرانسه



در ایران چه می‌گذرد؟!



پنجاه و دومین کنگره ث ر ت از ۱۲ مه - ۲۲ اردیبهشت با حضور نمایندگان سندیکاهای کشورهای مختلف آغاز شد.

پنجاه و دومین کنگره کنفدراسیون عمومی کارفرانسه در شهر دیژون فرانسه که در ۱۲ ماه مه با حضور نمایندگان سندیکاهای کشورهای مختلف جهان برگزار گردید.

با دروهای فراوان رفقا و دوستان من رضا شهابی هستم. عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و از ایران در جمع شما حاضر شده‌ام. ابتدا باید اعلام کنم که از این‌که امروز در پنجاه و دومین کنگره سندیکای شما شرکت می‌کنم افتخار می‌کنم و از طرف سندیکای خودمان برگزاری کنگره‌تان را به شما تبریک می‌گویم.

رفقا! در حالی که از حضور در جمع شما خوشحالم اما نمی‌توانم در جمع شما که دوستان من هستید از نگرانی‌ام بگویم. در این لحظه و این روزها من شدیداً نگران دوست و همکار سندیکاییم حسن سعیدی هستم که چند روز پیش با هم دستگیر شدیم اما او کماکان در زندان است. من شدیداً نگران دیگر دوستان و کارگران و دانشجویایی هستم که تنها به دلیل شرکت در تجمع مسالمت‌آمیز روز جهانی کارگر دستگیر شده‌اند. رفقا،

سال پیش بنا به آمار رسمی در ایران، ۱۷۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری و حقوق‌بگیران اتفاق افتاده است. یعنی بیش از چهار و نیم اعتراض و اعتصاب در روز؛ این اعتصابات در هفت‌تپه و اهواز و اراک و سایر نقاط کشور انعکاس گسترده‌ای در سراسر ایران داشته و از

ادامه در ص 7

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، هیچ راه نجات و روزنه امیدی وجود ندارد، تنها چاره کارگران، جوانان و مردم آزاده در ایران، سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برقراری قدرت شورایی و حاکمیت مردمی است.

از دی ماه ۹۶ و با گسترش اعتصاب و اعتراضات مردم علیه گرانی، فساد و بیکاری، مبارزه کارگران و معلمان و بازنشستگان به شکل رادیکالی در جریان است.

اکنون به‌ویژه با تحریم‌های اقتصادی آمریکا، از یک سو به‌طور بی‌سابقه‌ای تورم، گرانی و فقر افزایش یافته و از سوی دیگر، بازار دزدی و غارت اموال عمومی توسط حکومتیان و اطرافیان و بستگان آن‌ها وسیعاً داغ‌تر شده است. با این وجود شیخ حسن روحانی رییس جمهوری حکومت اسلامی، خطاب به آمریکا، چنین ادعا کرده است: «ممکن است مردم سفره کوچکتی داشته باشند و با سختی زندگی کنند، این مهم نیست، این اول نیست؛ مسئله اول این است که دشمن بفهمد مردم ما دست از نظام‌شان برنمی‌دارند.»

البته راه رهایی را کارگران شرکت هفت‌تپه به ما نشان داده‌اند. مبارزات قهرمانانه کارگران نیشکر هفت‌تپه، از برجسته‌ترین و رادیکال‌ترین نمونه‌های حرکت‌های کارگری پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ است. با وجود سانسور و سرکوب خشونت‌بار، این مبارزات دست‌آوردهای بسیار مهمی داشته و سطح مطالبات جنبش کارگری را ارتقا بخشیده است. از میان مبارزات و خواست‌های مختلف این کارگران یک خواست توجه زیادی را به خود جلب کرده است: مدیریت شورایی!

ادامه در ص 3

زنده باد جنبش کارگری

اهداف کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد با هدف آشنایی، معرفی و جلب پشتیبانی از جنبش کارگری ایران و سوئد تشکیل شده است. رساندن اخبار و مبارزات جنبش کارگری به سازمان‌ها و نهادهای کارگری به‌طور روتین از وظائف کمیته می‌باشد. قوی کردن همبستگی کارگری و شرکت فعال در مبارزات کارگری نیز از اهداف کمیته است.



شکل کار

- *انتشار نشریه به زبان‌های فارسی و سوئدی، استفاده از ابزارهای تبلیغاتی عمومی
- *شرکت و سازماندهی جلسات کارگری
- *تماس با فعالین، نهادها و سازمان‌های کارگری
- *سازماندهی کلاس‌های آموزشی
- *برگزاری جشن‌ها و شب‌های همبستگی
- *شرکت در مراسم اول ماه مه و هشت مارس
- *تشکیل گروه‌های کاری برای پیشبرد طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در مورد وضعیت زنان کارگر و برنامه‌های ویژه
- *برای جوانان و نو جوانان و غیره
- *جلب پشتیبانی از مبارزات کارگری و شرکت فعال در مراسم و مبارزات کارگری در سوئد
- *برگزاری کمپین‌های اعتراضی و قرفه‌های اطلاعاتی

آئین‌نامه

- *همه افراد موافق اهداف کمیته بدون توجه به ملیت، جنسیت، مذهب می‌توانند عضو کمیته شوند.
- *اعضا از حقوق کامل و برابر در تمامی سطوح کاری کمیته برخوردارند.
- *اعضا حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمامی سطوح کمیته را دارا می‌باشند.
- *پذیرش مسئولیت در کمیته داوطلبانه است.
- *مجمع عمومی بالاترین ارگان کمیته بوده که هر ۶ ماه یکبار تشکیل می‌شود.
- *تمامی مسئولین در مجمع عمومی توسط اکثریت اعضا انتخاب شده و نیز با خواست اکثریت اعضا قابل عزل می‌باشند.
- *مسئولیت‌ها در کمیته دوره‌ای است.
- *اهداف، شکل کار و آئین‌نامه و امور مالی کمیته در مجمع عمومی بحث، تغییر و تصویب می‌گردد.
- *مجمع عمومی با نصف + ۱ اعضا رسمیت داشته و تمامی تصمیمات نیز حداقل با رای ۳/۲ اعضا حاضر در مجمع تصویب می‌گردد.
- *حق عضویت ماهیانه ۵۰ کرون سوئد می‌باشد.
- *مجمع عمومی هیئتی را برای هماهنگی فعالیت‌ها انتخاب می‌نماید.
- *مجمع عمومی فوق‌العاده توسط نصف + ۱ اعضا فراخوانده می‌شود.
- *فراخوان مجمع عمومی یک ماه قبل به اطلاع همه اعضا می‌بایست رسیده باشد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

isask@comhem.se

IRANSK – SVENSKA ARBETAR SOLIDARITETS KOMMITTÉN

در ایران چه می گذرد؟!

نمی دانند و هر جا که بتوانند و به هر میزانی که به دست آورند، ثروت های جامعه را به یغما می برند. جای شگفتی ندارد که نام دفتر خامنه ای با 35 میلیارد دینار عراقی - برابر با 25 میلیون دلار در فهرست دریافت کنندگان ارز 4500 تومانی قرار دارد بدون آن که کمترین توجیهی برای این مسئله خود عنوان کرده باشد.

بر اساس فهرستی که بانک مرکزی طی دو سال اخیر منتشر کرده است، شرکت های مختلفی دریافت کننده ارز دولتی بوده اند؛ از واردکنندگان لاستیک گرفته تا مواد خوراکی نظیر کره یا اقلامی مانند یخچال و ... در فهرستی که بانک مرکزی در سال 1397 منتشر کرده بود هم موارد عجیبی به چشم می خورد. یکی از این موارد، شرکت خودرو سازی «ماموت خودرو» بود که با تعرفه جای ساز و قهوه ساز، ارز دولتی گرفته بود. این شرکت نماینده «فولکس واگن» در ایران است.

یکی دیگر از مواردی از این قبیل، باشگاه فوتبال «ال بدر» هرزگان بود که در فهرست بانک مرکزی از آن به عنوان «شرکت موسسه ورزشی البدر بندر کنگ» یاد شده بود. بر اساس اعلام بانک مرکزی، این باشگاه ورزشی یک میلیون و 682 هزار یورو برای دریافت واردات تایر خودرو های سواری و حدود 717 هزار یورو ارز دولتی برای واردات تایر کامیون و اتوبوس دریافت کرده بود.

یکی دیگر از همین موارد، «شرکت رهبران خودرو پیشگامان نگین جنوب» بود که برای واردات جای بیش از 134 هزار یورو ارز دولتی گرفته بود.

در فهرست سال 1398 بانک مرکزی موارد عجیب و غریب کم نیستند؛ مواردی که به گفته برخی تحلیلگران، ناشی از نبود شفافیت لازم و تغییر آبی اساس نامه شرکت ها برای دریافت ارز دولتی است.

معاونت بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در تحقیقی اعلام کرده که دفتر علی خامنه ای بیش از 35 میلیون دینار عراقی، معادل حدود 25 میلیون دلار ارز دولتی از بانک مرکزی گرفته است. بانک مرکزی از فروردین 1397 تا اردیبهشت 1398 بیش از 54



میلیون دینار عراق با ارز چهار هزار و 200 تومانی به 10 شخص حقوقی داده که 66 درصد این میزان توسط فردی در دفتر رهبر جمهوری اسلامی دریافت شده است.

در بخش دیگری از تحقیق معاونت بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران آمده است بیش از 43 میلیون یوان چین هم به بیش از چهار هزار و 400 نفر پرداخته شده که «شرکت خدمات حمایتی کشاورزی» بیشترین سهم (8/1 درصد) از این مبلغ را به خود اختصاص داده است. حدود 5/1 درصد از این مبلغ را شرکت «پارس خودرو» دریافت کرده است.

بیش از 198 میلیون روپیه هند را نیز به هزار و 384 شخصیت حقیقی و حقوقی داده اند که حدود 10 درصد این مبلغ به «شرکت طبیعت سبز میهن» و حدود 9 درصد آن به «شرکت آریا تجارت سده» پرداخت شده است. شرکت طبیعت سبز میهن با هدف تامین و توزیع کالاهای اساسی مصرفی خانوار از سال 1391 فعالیت خود را آغاز کرده است. مشهورترین کالاهای تولیدی این شرکت، پستی و لبنیات «میهن» است که برای بسیاری از ایرانیان نامی آشنا است.

شرکت آریا تجارت از سال 1380 فعالیت خود را در زمینه محصولات بهداشتی آغاز کرده است.

100 میلیون لیر جدید هم سهم هزار و 32 نفر شده که شرکت آوا تجارت صبا تقریباً 15 درصد مبلغ کل را دریافت کرده است. حدود چهار درصد از این مبلغ به شرکت هواپیمایی ترکیه پرداخت شده است. بیش از 97 میلیون روبل جدید روسیه را نیز بر اساس تحقیق انجام شده، 446 شخصیت حقیقی و حقوقی گرفته اند. بالاترین مقدار (بیش از هفت درصد) از این میزان توسط «شرکت تولیدی و توزیع محصولات کشاورزی فواکه» دریافت شده است.

100 میلیون وون کره جنوبی هم به هزار و 194 نفر پرداخت شده که بیشترین مبلغ از این میزان به شرکت ایرانی تولید خودرو «سایپا» با سهم بیش از 10 درصدی اختصاص داشته است. تیر ماه سال گذشته بانک مرکزی ایران، فهرست یک هزار و 500 شرکت و فرد را که با ارز دولتی چهار هزار و 200 تومانی کالا وارد کرده بودند،

ادامه در ص 6

شرکت نیشکر، تاریخچه ای طولانی بیش از نیم قرن دارد که در جوار کارخانجات فراوری چغندر قند، از طریق فراوری نیشکر، کشور را از نظر تولید شکر خود خودکفا کند. اما این صنعت پس از انقلاب، برکنار از صدمات وارده بر اثر جنگ ایران و عراق، از فساد و سیاست های نادرست و سوء استفاده های مدیریت های دولتی و غیردولتی رو به اضمحلال گذاشت، و بعد هم تحت عنوان خصوصی سازی به بهای بسیار نازلی فروخته شد. کارگران نیشکر هفت تپه در تلاشند این شرکت را از چنگ مدیران فاسد و بی کفایت رها سازند و مدیریت آن را مستقیماً خودشان به عهده گیرند. کارگران نیشکر هفت تپه مدت ها است به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی و همچنین عدم پرداخت ماه ها حقوق شان معترض هستند. در سال گذشته بارها هزاران نفر از کارگران هفت تپه روی بروی فرمانداری شوش دست به تجمع اعتراضی زدند. آن ها گفتند به این دلیل تظاهرات شان را به سطح شهر کشانده اند که مسئولان به خواسته های آن ها بی توجهی کرده اند. این کارگران، حتی در نماز جمعه شهر نیز به اعتراض خود ادامه دادند. یکی از کارگران زن حاضر در یکی از تجمعات سال گذشته کارگران هفت تپه خطاب به جمعیت گفت: «از تمام اتحادیه های کارگری کشور و تمام کارگرانی که این روزها مثل ما سرفه شان خالی است و شرمند زنی و بچه شان هستند می خواهیم به این اعتصاب بپیوندند.»



سخنان این کارگر در شبکه های اجتماعی ایران منتشر شده، اما هویت او اعلام نشده است. اسماعیل بخشی، نمایندگان کارگران هفت تپه در جریان تظاهرات سال گذشته، در جمع کارگران گفت: «تو این مملکت راهی جز اختلاس و رانت گرفتن برای پولدار شدن وجود ندارد.»

بخشی پیش تر پیشنهاد کارگران هفت تپه برای اداره این شرکت را «اداره شورایی» عنوان کرده و گفته بود که اداره این شرکت باید به شکلی باشد که نه بخش خصوصی و نه بخش دولتی به طور کامل نتوانند کنترل این شرکت را در دست بگیرند. وی در ویدئویی گفته است: «کارگران دیگر اجازه نمی دهند بخش خصوصی شرکت را در دست بگیرد و اگر دولت می خواهد شرکت را در دست بگیرد تمام امور شرکت باید زیر نظر شوراهای کارگری و نظر جمعی باشد.»

اسماعیل بخشی، این نماینده جوان و جسور کارگران نیشکر هفت تپه، بارها در سخنرانی هایش در مقابل کارگران معترض این شرکت، تاکید است که آلترناتیو کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، اداره شورایی این کارخانه است. شرکت نیشکر هفت تپه کارگرانی از خلق های مختلف را در خود دارد اسماعیل بخشی گفته است: «فرد طلبان، ناسیونالیست ها و نژادپرست ها خودشان را به ما نجسباندند.»

شعار «نان، کار آزادی، اداره شورایی»، «مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر» از جمله شعارهای معترضان در تظاهرات هایشان بوده است. با آغاز تحریم های جدید آمریکا علیه ایران، گرانی، تورم، فقر و اخراج سازی و بیکاری در ایران نیز شدت گرفته است. ما در جامعه ایران، آمار رسمی بیکاری نداریم البته در سایر عرصه ها هم نداریم. چرا که نهادهای مستقل آمارسنجی در ایران ندارم. دولت هم در جهت منافع و مصلحت حاکمیت خود، آمارها را دلخواهی اعلام می کند. حتی اختلافات بر سر آمار رسمی میزان بیکاری میان دستگاه های دولتی و برخی از کارشناسان نیز در جریان است.

تورم روزانه و ماهانه در نرخ های دو رقمی در حال افزایش است و درآمدها و حتی پس اندازهای مردم نیز را می بلعد. به گزارش خرداد ماه مرکز آمار حکومت، بهای اقلام خوراکی به طور ماهانه بین 18 تا 25 درصد افزایش می یابد.

در حالی که اطرافیان حکومتیان به بهانه واردات، غارت بانک ها و موسسات مالی، میلیاردها دلار به جیب زده اند و «حقوق های نجومی» به مدیران ارشد حاکمیت پرداخت می کنند. به عبارت دیگر، اعضای ریز و درشت حاکمیت و نهادهای آن به همراه نزدیکان و بستگان شان هرگز خود را مشمول «ریاضت» و «اقتصاد مقاومتی» که برای مردم تحمیل می کنند

بازداشت کارگران در روز جهانی کارگر

از میان این بازداشت‌شدگان روز چهارشنبه اول ماه مه، «وحید فریدونی» به‌خاطر شدت ضرب و شتم هنگام بازداشت با وضع وخیم جسمانی راهی بیمارستان شده و همچنین «رضا شهابی» از چهره‌های سرشناس سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه نیز به‌خاطر ضرب و شتم در هنگام دستگیری وضعیتش معلوم نیست.

در تجمع معلمان تهران به مناسب دوم ماه مه - 12 اردیبهشت روز معلم در ایران، سه تن از اعضای هیات مدیره کانون معلمان تهران محمد فلاحي و رسول بدایي و مجتبی قریشیان دستگیر شدند.



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران برگزار می‌کند:

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

جنبش مستقل کارگری

و دیگر جنبش‌های اجتماعی

موانع و پیشرفت‌ها

"نان، کار، آزادی، اداره شورائی"

لغو خصوصی سازی‌ها، آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی!

با حضور فعالین کارگری از داخل و خارج

یک‌شنبه 23 ژوئن 2019 - 2 تیر 1398

ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی، به وقت

ایران 22.30

پالتالک

Otage: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

گسترده باد همبستگی جنبش کارگری و دیگر

جنبش‌های اجتماعی!

nhkommittehamahangi@gmail.com

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد، متأسفانه هنوز بعد از گذشت 33 روز، چهار تن از بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر همچنان در بازداشت و بلا تکلیفی به‌سر می‌برند کیوان صمیمی و عاطفه رنگریز و ندا ناجی و مرضیه امیری از بازداشتی‌های روز جهانی کارگر همچنان در زندان باقی مانده‌اند و از وضعیت قراربازداشت‌های جدید آن‌ها اطلاع کاملی در دسترس نیست. سندیکای کارگران شرکت واحد خواستار آزادی بی‌قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر و دیگر فعالین صنفی دربند شده است.

نیروهای امنیتی به‌همراه کماندوهای ضد شورش به تجمع وسیع کارگران سندیکایی و دانشجویان و معلمان و دیگر کنشگران حاضر در همایش بزرگ اول ماه مه میدان بهارستان یورش برده و جمعی را بازداشت کردند.

سندیکای شرکت واحد لیست 30 نفره زیر را منتشر کرده است:

1- رضا شهابی 2- حسن سعیدی 3- فرهاد شیخی 4- وحید فریدونی 5- ناصر محرمزاده 6- رسول طالب‌مقدم 7- اسدالله سلیمانی 8- محمدعلی اصلاغی 9- کامیار فکور 10- مرداس طاهری 11- محسن سلیمانی‌نژاد 12- هادی سلیمانی 13- مهدی عظیمی 14- ماهان صالحی 15- قاسم خالویی 16- محمد اصلاغی 17- خاتم شیرازی 18- الهام صالحی 19- آتی‌شا اسداللهی 20- امیرمحمد طاهری 21- کیوان صمیمی 22- داودرفیعی 23- ناهید خداجو 24- نسرین جوادی 25- هادی سلیمانی 26- مهدی فخری 27- فرهاد شیخی 28- مرضیه امیری 29- سمیرت امیری 30- خرسندی.

جدا از این ظهر روز جمعه 6 اردیبهشت ماه نیروهای امنیتی به تعدادی از کارگران و اعضای تشکلهای کارگری در پارک جهان نمای کرج، یورش برده و نزدیک به 12 نفر از ایشان را بازداشت کرده و به زندان رجایی شهر کرج انتقال دادند. اسامی برخی از این بازداشت‌شدگان به قرار زیر است:

پروین محمدی، علیرضا تقفی، هاله صفرزاده، واله زمانی، سعید ترابی‌ان، فواد فتحی، مصطفی شوکت، امیر عباسی، صفی‌ار قربانی. تا ساعت 7/30 دقیقه عصر اکثر دستگیر شدگان آزاد شده‌اند و چهار نفر از ایشان به اسامی پروین محمدی نائب رییس اتحادیه آزاد کارگران ایران، واله زمانی عضو سندیکای نقاشان استان البرز، علیرضا تقفی و هاله صفرزاده از اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر هنوز در بازداشت به‌سر می‌برند و خبری از وضعیت ایشان در دسترس نیست.

علاوه بر بازداشت‌های کارگری یاد شده در تهران، طی روزهای گذشته اطلاعات شهر کامیاران چند نفر از اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران را احضار و آنان را تهدید کرده‌اند که نباید به‌هیچ عنوان برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در شهر اقدامی انجام دهند و یا در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کنند. به آن‌ها گفته شده اگر خلاف این دستور عمل کنند، به شدت با آن‌ها برخورد خواهد شد.

همچنین روز پنج‌شنبه 5 اردیبهشت 1398، احمد تقی‌زاده فعال کارگری ساکن ارومیه توسط اداره اطلاعات این شهرستان احضار شده و در ارتباط با فعالیت‌هایش در حوزه کارگران واحدهای صنعتی ارومیه مورد بازجویی قرار گرفته است.

هم‌زمان از شهرستان سنندج، گزارش شده است که روز چهارشنبه 4 اردیبهشت ماه، دو فعال کارگری به‌نام‌های غالب حسینی و مظفر صالح‌نیا از سوی سپاه پاسداران احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند.

بر اساس این گزارش، احضار این افراد در آستانه روز جهانی کارگر صورت گرفته و به آن‌ها اعلام شده است هیچ‌گونه مجوزی برای تجمعات کارگری صادر نشده و در صورت تجمع، با آن‌ها برخورد خواهد شد.

غالب حسینی پیش‌تر در اسفندماه سال 91 در شهر سنندج، به دلیل فعالیت‌های کارگری، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شده بود.

شکایت از ایران به سازمان بین المللی کار توسط جمعی از کارگران هفتپه

جمعی از کارگران هفتپه در نامه‌ای به کمیته آزادی سازمان جهانی کار نسبت به ادامه بازداشت و سرکوب فعالان کارگری از دولت ایران شکایت کردند.

در ماه‌های اخیر دست کم پنجاه نفر از کارگران هفتپه به دلیل تحصن صنفی احضار، تهدید و یا بازداشت شدند که از میان آن‌ها اسماعیل بخشی هنوز در بازداشت است.

در بخشی از نامه کارگران هفتپه با اشاره به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی، نماینده کارگران معترض هفتپه، سپیده قلیان و امیر امیرقلی، فعالان اجتماعی، و ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فر، زوج روزنامه‌نگار، آمده است: «خانواده این بازداشت‌شدگان همگی تحت فشار و اذیت هستند تا درباره وضعیت آن‌ها گفتگو نکنند. مقامات امنیتی و قضایی به برخی از خانواده‌ها گفته‌اند که هر چه قدر بیشتر از وضعیت زندانی‌ها خبر به رسانه‌ها درز کند احکام آن‌ها سنگین تر خواهد شد.»

اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، امیر امیرقلی، ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی‌فر از زمستان سال گذشته در ایران در بازداشت هستند و اردیبهشت امسال از زندان اهواز به اوین منتقل شدند.

سه روز پیش نیز سپیده قلیان از زندان اوین به قرچک منتقل شد.

امضاءکنندگان نامه به

سازمان جهانی کار با اشاره به این‌که «اقدامات جمهوری اسلامی ایران در قبال کارگران همواره همراه با سرکوب و بازداشت بوده»، نوشته‌اند: «بهانه‌های نخ نما و پوسیده دولت ایران سعی می‌کند کارگران و فعالان کارگری را به جریانات سیاسی و اپوزیسیون و با به طرز بی شرمانه به فعالیت‌های تروریستی وصل کند. باید تاکید کنیم این کارگران تنها فعالیت صنفی و یا عضویت در تشکل مستقل کارگی و دفاع از حقوق و مطالبات کارگرات هفتپه داشته‌اند.» در همین حال امضاءکنندگان این نامه از سازمان جهانی کار خواستند تا از دولت ایران درباره وضعیت کارگران هفتپه «بازخواست کند.»

کارگران در ایران نخستین بار در سال 2006 در اعتراض به «سرکوب» فعالان و تشکل‌های مستقل کارگری به کمیته آزادی سازمان جهانی کار نامه نوشتند. این نامه در سال 2017، با توجه به «وسعت سرکوب» کارگران تکمیل شد و سازمان جهانی کار آن را مجدداً در دستور کار خود قرار داد.



اسماعیل بخشی در حال سخنرانی در تجمع اعتراضی کارگران

نامه سرگشاده سپیده قلیان از زندان قرچک من ایستاده‌ام

صبح روز دوشنبه 13 خرداد، مسئول بند در زندان اوین من را برای رساندن خبری احضار کرد. خانم مسئول بند سراسیمه و نگران به من گفت که حامل خبری ناگوار است با وجود این‌که در ماه‌های اخیر هر روز شنونده اخبار ناگوار بوده‌ام، اما از این‌که این خبر می‌تواند تصادف اعضای خانواده‌ام در مسیر دزفول - تهران برای ملاقات با من باشد، به خود لرزیدم.

دنیای زندان دنیای بی‌خبری است. زندانی در حالی که «هست» در واقع «نیست»، چرا که از آن‌چه آن‌سوی دیوارهای زندان می‌گذرد، غالباً اطلاع دقیقی ندارد. در نتیجه گاهی حتی خبر خوب هم برای زندانی بد است. خاصه آن که آن روز تلفن زندان هم قطع بود. اما خبری که به زعم مسئول بند، بد بود، تصمیم بر انتقال من از زندان اوین به زندان قرچک ورامین بود. زندانی که عموم زندانیان سابق در آن از وضعیت غیر انسانی و تحمل‌ناپذیر آن سخن گفته‌اند و حتی از دید مسئول زندان هم شکنجه‌گاه و تبعیدگاه است. اما پس از تحمل زندان‌های متعدد، پس از تحمل روزها رنج و بازجویی در انفرادی‌های وزارت - اطلاعات و پس از انتقال به زندان اوین، انتقال به قرچک ورامین یک خبر بد نیست.

زندان زندان است و زندانی زندانی! خانم مسئول زندان گفت با تصمیم دادستان و برای تادیب من را قرچک ورامین منتقل می‌کنند. یعنی دستگاه قضایی و نهادهای بالادستی هم دقیقاً می‌دانند در این‌جا چه خبر است. زندانی فاقد هر گونه امکانات اولیه، مملو از فشار و توهین و تحقیر. اکنون که زندانی این تبعیدگاه ضد انسانی هستم، آن‌چه که از روزهای انتهایی آبان سال گذشته تا امروز بر سرم آمده است را مرور می‌کنم:

بازداشت غیر انسانی، شکنجه، بهتان، انفرادی، پخش اعترافات - اجباری ضرب و شتم و بازداشت خود و اعضای خانواده، زندان، از زندان به زندان، و از زندانی به زندانی دیگر. از 27 آبان سال گذشته تا به امروز، همه چیز مانند یک کابوس غیر واقعی، اما شوربختانه درداور و واقعی بوده است. مگر من چه

کرده بودم که نهادهای قضایی و امنیتی حکومت، کمر همت بر نابودی زندگی من بسته‌اند؟ نهاد امنیتی دنبال چند قربانی است تا اعتراضات گسترده کارگران هفتپه را به گردن آن‌ها بیندازد و به این طریق به روسای خود بگوید که بحران تحت کنترل است. نهادهای امنیتی گویا در خوش‌خدمتی به سرمایه‌داران از هیچ ظلمی به معترضان وضع موجود دست نمی‌کشند.

اما بحران تحت کنترل نیست حضرات! تجربه جابه‌جایی در چند زندان مختلف من را به این شناخت رساند که وضعیت بحرانی اقتصاد، زاینده فاجعه در زندگی طبقات فرو دست شده است. پس از اینکه اسماعیل بخشی و من از شکنجه گفتیم، برای در هم شکستن ما اعترافات اجباری‌مان را پخش کردند اما ظاهراً این حرکت هم نهادهای امنیتی را راضی نکرد و ما برای بار دوم بازداشت شدیم. حداقل در مورد خودم مطمئن هستم که پس از بازداشت انواع شکنجه را تحمل کرده‌ام.

بلاتکلیفی مطلق در بیش از سه ماه بازداشت موقت(!)، انتقال از این زندان به آن زندان و تحقیرها و تهدیدها تنها بخشی از این شکنجه‌ها بوده است. ما را شکنجه می‌کنند که قبول کنیم شکنجه نشده‌ایم!

اما واقعیت این است که از انتهای آبان سال گذشته تا امروز، هر روز ما شکنجه بوده‌ایم.

در واقع انتقال به زندان قرچک تنها موجب تقویت روحیه من شده است، چرا که حافظان وضعیت موجود حتی از تغییر کردن من در زندان اوین ناامید شده‌اند. عاملان و حافظان وضع موجود نمی‌دانند تا وقتی که شکاف‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در پیکر این جامعه باشد، صدای اعتراض خاموش نخواهد شد. با برخورداری سبانه با معترضان، نتیجه‌ای عایدشان نمی‌شود.

من با تمام ستمی که در حق‌ام روا داشته‌اید همچنان ایستاده‌ام و روزها که بیشتر سپری می‌شود بیش‌تر بر حقانیت صدا و اعتراضم باور پیدا می‌کنم. مقاومت من در پیوند با مقاومت همه کسانی‌ست که همه تهدید و فشار، خم به قامت استوارشان نینداخته و نخواهد انداخت. من ایستاده‌ام چرا که بحران اقتصادی و اجتماعی عمیقی که من را به اعتراض واداشت، هنوز وجود دارد و نه تنها رفع نشده که تشدید نیز شد.

سپیده قلیان - زندان قرچک - 13 خرداد 98



در ایران چه می گذرد؟!



منتشر کرد که در آن زمان این فهرست با بحث‌ها و جنجال‌هایی همراه شد.

این در حالی که حکومت به هیچ‌کدام از وعده‌های خود به سیل زده‌گان عمل نکرده است. دبیر شورای بانک‌های استان خوزستان روز سه‌شنبه 14 خرداد 98 به خبرگزاری ایرنا گفته است که «با توجه به نبود ساز و کار لازم در این زمینه ادامه پرداخت وام به سیل‌زده‌گان به

زمان بعد از صدور دستورالعمل و قراردادهای خاص موکول شد.»

این مقام مسئول اعلام کرده که «مصوبه دولت مبنی بر اختصاص تسهیلات ساخت و تعمیر منازل سیل‌زده از عقود مشارکت به قرض‌الحسنه تغییر کرده است.»

سیلاب‌های اخیر در ایران از اواخر اسفند سال 97 آغاز شده و تا کنون خسارات سنگینی را به استان‌های درگیر سیلاب وارد کرده و دست‌کم 76 کشته بر جای گذاشته است.

در حالی که علی‌خامنه‌ای سال گذشته بدون هیچ بهانه‌ای یک و نیم میلیارد دلار از ذخایر «صندوق توسعه ملی» را زیر پوشش «تقویت بنیه دفاعی» به کیسه سپاه پاسداران سرازیر کرد تا خرج ماجراجویی‌های پر هزینه «نظام» در سوریه، لبنان، عراق و یمن کند یا باروت بیشتری به دهان موشک‌هایش بریزد.

رییس پلیس راهنمایی و رانندگی ایران گفت بر اثر سیل‌های ماه‌های گذشته 14 هزار کیلومتر راه و 400 پل تخریب شده است.

طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران از گزارش نتایج نیروی کار، جمعیت بیکار کشور حدود 3 میلیون و 200 هزار نفر برآورد می‌شود اما برخی از کارشناسان معتقدند جمعیت بیکار کشور بسیار بیش از میزان اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران است.

غلامرضا تاجگردون، رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، اخیراً اعلام کرده است: «الان سه میلیون و 200 هزار نفر بیکار در جمعیت فعال کشور داریم و در جمعیت غیرفعال هم سه میلیون و 950 هزار نفر بیکار است» او افزود: «25 میلیون و 790 هزار نفر جمعیت فعال داریم که از این مقدار 22 میلیون و 588 هزار نفر شاغل و سه میلیون و 203 هزار نفر بیکار هستند.» او ادامه داد: «در جمعیت غیرفعال با تحصیلات عالی 5 میلیون و 452 هزار نفر بیکار داریم، یعنی حدود 8 میلیون نفر تحصیل کرده بیکار داریم که از ظرفیت اقتصادی آن‌ها استفاده نمی‌کنیم.» (غلامرضا گردون، خبرگزاری تابناک)

سایت اعتماد آنلاین، شاخص فلاکت استان‌ها در سال 1397 را اعلام کرده است. سمنان، اردبیل و کرمان به ترتیب کم‌ترین نرخ فلاکت و چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و کردستان بیش‌ترین نرخ فلاکت را داشته‌اند. پایین بودن نرخ فلاکت در سمنان، اردبیل و کرمان بالای 33 و 34 است. و در چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و کردستان بالای 47 و 47 است.

اقتصاد ویران و به بن‌بست رسیده در حکومت اسلامی، جدید نیست. ساختار اقتصاد سیاسی این حکومت در 4 دهه گذشته، بر پایه تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری، پایین بودن حقوق‌ها رقم خورده است. آن‌چه امروز تازه‌تر از گذشته است، بالا بودن میلیونی کسانی است که زیر خط فقر قرار گرفته‌اند. اعلام شده 40 میلیون مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

در کردستان ابعاد فلاکت 47 در صد است. فلاکت و شکاف طبقاتی امروز در زندگی مردم ابعاد عمیقاً ترازیک و هولناکی دارد. مدت‌ها است که تعدادی از اقلام خوراکی و پروتئنی از گوشت تا میوه و ... به زندگی لوکس تعریف شده است.

جوانان کردستان به ناچار به کلبری، این کار خطرناک روی آورده‌اند. کلبری و دست‌فروشی در اثر بیکاری مداوم و میلیونی به انتخاب و سرنوشت به اصطلاح شغلی کارگران بیکار و جوانان فاقد موقعیت شغلی تبدیل شده است. کم نیستند جوانانی که در سن نوجوانی در اثر روی‌آوری به کلبری جان خود را از دست داده‌اند و یا معلول گشته‌اند.

جامعه ایران، به‌ویژه کارگران، بیکاران، خانواده محروم در بیش از چهار دهه است که آوار بحران‌های اقتصادی حکومت اسلامی بر سر خانواده‌های آن‌ها فرو ریخته است. حکومت اسلامی ایران در طی چهاردهه اخیر، با تهدید و سرکوب، زندان و شکنجه، اعدام و ترور، دست خودی‌ها، غارت‌گران، پیمان‌کاران و دلان باز گذاشته تا ثروت‌های جامعه را به یغما ببرند و هر اعتراضی را در نطفه خفه کنند. در راس این آدم‌کشان و غارت‌گران حکومتی، سپاه پاسداران قرار دارد که در واقع نقش «دولت سایه» را ایفا می‌کند.

در این چهار دهه هر موقع تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی و یا مانند اکنون آمریکا علیه ایران اعمال شده غارت‌گران هرچه بیش‌تر فعال‌تر شده‌اند. اکنون تحریم‌های ناشی از سوی دولت ترامپ علیه ایران که از سال 2018 آغاز شده و هم‌چنان ادامه دارد ضربه شدیدتری بر زیست و زندگی کارگران و محروم محروم زده است. چرا که گرانی، تورم، بیکاری و فقر در جامعه ایران به اوج خود رسیده است و حکومت اسلامی نیز باز هم بخش اعظم ثروت‌های کشور را به جنگ‌های «نیابتی» و ماشین جنگی و کشتار خود اختصاص داده است.

سال گذشته اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری افزایش چشم‌گیری داشته و امسال نیز هم‌چنان در حال افزایش است. سال 1397 را باید سال اعتراض‌های کارگری نامید. با توجه به آمار و ارقام در دسترس، با اطمینان می‌توان گفت که از اوایل دهه شصت به این‌سو، تعداد و ابعاد اعتراض‌های کارگری هیچ‌گاه به این اندازه و در این سطح نبوده است. حتی در مقایسه با چند سال گذشته که شاهد روند افزایش یابنده اعتراضات کارگری بودیم، باز هم سال 1397 را می‌توان استثنایی در این میان به‌شمار آورد.

در طول سال گذشته در مجموع 1700 مورد اعتراض کارگری در مراکز تولیدی و خدماتی و توسط بازنشستگان در بخش‌های مختلف، به وقوع پیوست.

این رقم در مقایسه با سال 96 که بیش‌ترین تعداد اعتراض‌ها را در سال‌های پیش یعنی حدود 1340 مورد را به خود اختصاص داده بود، نشان دهنده افزایش حدود 27 درصدی است. به بیان دیگر، در این سال به‌طور میانگین هر روز 5/4 اعتراض کارگری به‌وقوع پیوست. این رقم در سال 1395 حدود 3 مورد و در سال 1396 حدود 5/3 مورد بود.

ریشه و علل اعتراضات کارگری در سال 97 را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: نپرداختن دستمزدها، نداشتن امنیت شغلی، سطح پایین دستمزدها و خصوصی‌سازی‌ها و پیامدهای آن، حق تشکّل مستقل کارگر و ...

شیوه و اشکال اعتراضات کارگری در سال 97 را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: اعتصاب و تجمع در محیط کار، تجمع در مقابل مراکز دولتی، راه‌پیمایی در سطح شهر، تجمع در محل تردد و تجمع در برابر مجلس شورای اسلامی. این اعتراضات هم‌چون سال‌های گذشته در پاره‌ای موارد جنبه سراسری گرفتند و یا این‌که کارگران چند واحد و مرکز تولیدی به‌طور هم‌زمان دست به اعتراض زدند. در این میان، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران و نیروهای مترقی و سوسیالیست مخالف تحریم اقتصادی ایران و موافق تحریم سیاسی - نظامی حکومت اسلامی ایران هستند. چرا که تحریم‌های اقتصادی همان‌طور که امروز در جامعه ایران شاهدیم این تحریم‌ها مستقیماً مردم ایران را قلع می‌کند در حالی که تحریم سیاسی - نظامی مستقیماً حکومت اسلامی را نشانه می‌گیرد.

در چنین شرایطی، گرایش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در پی تحقق اهداف و آرزوهای خود هستند اگر بخشی از گرایش‌ها سیستم سرمایه‌داری هم‌چون نیروهای ملی، مذهبی و لیبرال از تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا خوشحالند و اهداف و برنامه‌های خود را بر اساس رقبای حکومت اسلامی مانند آمریکا، عربستان، اسرائیل و ... منطبق کرده‌اند اما برعکس، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران و نیروهای رادیکال پیشرو چپ، سوسیالیست، کمونیست، آتاریست، سندیکالیست، فمینیست، طرفداران آزادی بیان و اندیشه، محیط زیست، آزادی زبان‌های مادری، احزاب، رسانه‌ها، مذاهب و غیره در داخل و خارج کشور، با تأکید به مبارزه مستقل و مردمی خود، هم‌چنان قاطع و محکم بر سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران تأکید دارند.

این نیروها از جنبش شورایی و دموکراسی مستقیم حمایت می‌کنند و در جهت تبلیغ و ترویج و تقویت و گسترش این جنبش می‌کوشند.

ما به‌عنوان کمیته همبستگی کارگران ایران و سوند در عین حالی که در جهت همبستگی بین‌المللی کارگران به‌ویژه کارگران ایران و سوند تلاش می‌کنیم در عین حال، خواهان اتحاد و همبستگی همه تشکلهای دموکراتیک مردمی و مستقل و نیروهای منفرد در خارج کشور هستیم. نیروهایی که در حال حاضر به هر دلیل درست یا غلط عضو هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های سیاسی ایرانی در خارج کشور نیستند اما هر کدام به‌طور جداگانه فعالیت‌هایی را در جهت تقویت جنبش کارگری و سایر جنبش‌ها و سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران پیش می‌برند در یک شبکه افقی شورایی متحد و متشکل شوند.

این نیرو به‌طور اثباتی تلاش کند که جنبش شورایی و اتحاد گرایش‌های رادیکال مختلف چپ که در بالا بدان‌ها اشاره کردیم از جنبه نظریه - عملی سازمان‌دهی و تقویت کند؛ در جهت سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران با اتکا به نیروی جنبش‌های سیاسی - اجتماعی و مردم حق‌طلب و برای پی یک جامعه آزاد، برابر، عادلانه و مرفه در ایران گام‌های جدی بردارد و نهایت در جهت تحقق همه زمینه‌های سوسیالیسم علمی در ایران که مارکس بنیان‌گذار آن است از طریق خودمیریتی شورایی و دموکراسی مستقیم بکوشد!

سخنرانی رضا شهابی در پنجاه ...

همبستگی بازنشستگان، معلمان و دیگر بخش‌های جنبش کارگری برخوردار شده بود.

امروزه مسئله داشتن تشکلهای مستقل کارگری در ایران، به امری فوری تبدیل شده است و مورد توجه پیشروان کارگران قرار گرفته است ولی حاکمیت ایران هرگونه اقدام کارگران برای تشکیل‌یابی را مورد حمله و سرکوب قرار می‌دهد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، به‌عنوان قدیمی‌ترین سندیکای موجود در این راه مبارزه جانانه را به پیش برده و اعضای ما هزینه‌های سنگین را برای آن پرداخته‌اند. از جمله آقایان ابراهیم مددی و داود رضوی هر کدام به پنج سال زندان محکوم شده‌اند. آقایان حسن سعیدی، ناصر محرم‌زاده، حسین کریمی و خانم فرحناز شیرینی بیش از ده سال است به‌خاطر تشکیل سندیکا و حق خواهی از کار اخراج شده‌اند.

من خودم بیش از شش سال از عمرم را در بدترین شرایط در زندان گذرانده‌ام و بیش از ده سال است که به‌علت فعالیت سندیکایی از کار اخراج شده‌ام. شاید باور نکردنی به‌نظر برسد اما در ایران و همین چند روز قبل ما به‌خاطر برگزاری تجمع بزرگداشت روز اول ماه مه به‌همراه بیش از 30 نفر از دیگر کارگران و فرزندان آن‌ها که دانشجوی بودند دستگیر شده و مورد ضرب و شتم قرار گرفتیم و من تا پنج روز پیش در زندان بودم. الان نیز با تودیع کفالت 200 میلیونی آزاد و در کنار شما حاضر شده‌ام. همین‌طور

لازم است اشاره کنم که دو تن از بازداشت‌شدگان در اعتراضات کارگران هفت‌تپه در جنوب ایران به‌نام‌های آقای اسماعیل بخشی و خاتم سپیده قلیان نیز کماکان در شرایط اسفباری محبوس هستند. دوستان و رفقای حاضر در کنگره! سندیکای شما نامی آشنا در جنبش کارگری و سندیکایی ایران است. سندیکای شما با دستاوردهای بزرگ کارگران و حقوق‌بگیران فرانسه عجین شده است. سندیکای شما در عرصه همبستگی بین‌المللی نیز پیش قدم و موثر بوده است.

کلکتیو سندیکاهای فرانسه از جمله س.ژ.ت. زحمات زیادی را برای دفاع از فعالان سندیکایی ایران از جمله حمایت از خود من متحمل شده است. این کلکتیو و نحوه همکاری رفیقانه آن با فعالان سندیکایی ایران تبدیل به مدلی برای دیگران شده است. ما به این همبستگی در سایر کشورها احتیاج داریم در پایان صحبت‌م اشاره‌ای هم به موضوعات جهانی و منطقه‌ای کنم: ما کارگران با جنگ‌افروزی‌های دولت‌های سرمایه‌داری در جهان و مخصوصاً در خاورمیانه مخالفیم. تهدید نظامی و تحریم جز خراب‌تر کردن وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان ایران، عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، فلسطین و... ندارد. ما کارگران به پشتیبانی هیچ یک از بلوک‌های سرمایه‌داری توهم نداریم، بلکه به همبستگی کارگران و حقوق‌بگیران جهان احتیاج داریم. و نهایتاً آرزوی دارم که این کنگره و نتایجش در مبارزه شما نقشی مفید ایفا کند.

زنده باد همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر
با تشکر از شما



Bus Driver Union Leader Reza Shahabi's Speech at the Congress of the General Confederation of Labour in Dijon/France, Mai 13 2019 Comrades and Friends,

I am Reza Shahabi. I am a member of the board of directors of the Syndicate of Bus Drivers. First, I must say that I am honoured to participate in the fiftysecond congress of your syndicate, and congratulate you on organizing your congress on behalf of our syndicate. Comrades! While I am glad to be here in your company, I cannot hide my worries from you. At this moment I am deeply concerned about my friend and fellow syndicate member Hassan Saeedi, who was arrested a few days ago, and is still in prison. I am deeply concerned about other friends, workers and students, who were arrested only for participating in the peaceful assemblies on International Labor Day. Comrades, last year, according to official figures, 1,700 protests and strikes by workers took place in Iran. That means more than four protests and strikes a day. Strikes at Haft Tapeh, Arak, and Ahwaz have echoed throughout Iran, and enjoyed the solidarity of teachers, retirees, and other sectors of the labour movement. Today, having independent labour organizations in Iran has become urgent and has attracted the attention of the workers' leaders, but the Iranian regime is suppressing any attempt toward organizing workers. Our bus drivers syndicate, as one of the oldest syndicates in Iran, has fought with all its strength and paid a heavy price for that struggle. As a case in point, Ibrahim Madadi and Dawud Razavi, have each been sentenced to five years. Hassan Saeedi, Nasser Moharamzadeh, Hossein Karimi and Mrs Farahnaz Shiri have been fired



for more than ten years due to their efforts to establish a syndicate and workers' rights. I myself have been in prison for more than six years of my life, in the worst circumstances, and have been fired for more than ten years because of union activities. Reza Shahabi and Philippe Martinez (CGT) It may seem incredible, but in Iran and just a few days ago, we were arrested and beaten for holding the May Day commemoration with more than thirty other workers and their adult children who were students. I was in jail until five days ago, when I was temporarily released on heavy bail. It is also necessary to point out that two of the detainees in the recent protests of the Haft Tapeh workers in southern Iran, including Mr. Ismail Bakhshi and Ms. Sepideh Gholiyan, are still being held in appalling conditions. Comrades and Friends! Your syndicate is a familiar name to Iranian labour and union movements. Your syndicate has also been proactive and effective in international solidarity efforts.

French trade unions have worked hard to defend Iranian trade union activists including myself. This collective and the way in which it supports Iranian Syndicates has become a model for others. We need this solidarity in other countries. At the end of my speech, I would also like to comment on global and regional issues: we are opposed to the wars the capitalist governments impose across the world, especially in the Middle East. Military threats and sanctions have no real impact but make life worse for workers in Iran, Iraq, Afghanistan, Syria, Lebanon, Palestine and so on. We do not have illusions about the support of any of the capitalist blocs for the workers, what we need is the solidarity of the workers across the world. And, finally, I wish that this Congress and its results would have a useful role in your struggle.

Long live the international solidarity of the working class
Thank you



Första maj tal 2019, Sthlm, Strike – Back, Norra Bantorget kl. 17.00

Vi tackar Strik – Back att ha organiserat en gemensam samling i Stockholm på första maj, för att försvara våra gemensamma rättigheter.

Splittring inom klassen är det som arbetsköparna alltid önskat och de har gjort allt för att enighet mellan oss inte ska förverkligas.

Första maj är en viktig dag för arbetarklassen för att få möjlighet att visa sin styrka som en klass och diktera sina krav och alternativ för hela samhället.

Idag ser vi nationalism, rasism, begränsningar av mänskliga rättigheter, hyllningar av de starka männen och ensam är stark dyker upp hit och dit. Liberaler och hela borgerligheten skryter om att välfärden har blivit billigare på grund av marknaden, men miljonerna rann i väg, ner i de redan rikas fickor.

Marknadsförespråkare pratade varmt om valfrihet och mer frihet på jobbet men kontroll på arbetsplatserna ökade, munkavle sätts på oliktkäande och klassklyftorna ökade.

Vi fick en slags marknadsstat där egenintresset gjorde att fusk och korruption blev vardag för kapitalister och banker.

Sjukvård, utbildning och skolan, omsorg ... privatiseras och blev vinstdrivande affärer.

Vad vi ser överallt i världen är en snabbt växande kris för liberalismen.

Allt öppnar för förakt för liberalismen. Men tyvärr rör liken fortfarande på sig.

Den mest extrema formen av liberalism, som brukar kallas nyliberalism, som predikar om vikten av den ekonomiska människan om att vi alla ska vara egoistiska vinstjägare, kämpar hårt mot gemensamma intressen.

De senaste 40 åren ser vi tydligt hur marknaden förstört alla framgångar och den mänskliga utvecklingen.

Aldrig förr har det mänskliga samhället i så hög grad som idag haft tillgångar och möjligheter till de förutsättningar som krävs för allmänt välbefinnande, samtidigt har aldrig massorna varit så fullständigt berövade möjligheterna till välbefinnande. Trots den enorma teknologiska utvecklingen, som skulle kunna tillfredsställa våra materiella behov, används den endast för att öka kapitalets profit.

Vi behöver alla vara med och hjälpa till för byggandet av ett samhälle för vårt gemensamma intresse, med trygghet och garanterad försörjning, bostad, vård, utbildning och pension som går och leva med.

Nu handlar det om den sociala rörelsens kamp med arbetarklassen i spetsen.

Då är det viktigt med arbetarnas enighet och kamp, och inte bara försvara rättigheter utan utveckla och ändra på klassstyrkan och förhållandet.

Solidaritet och enighet är grunden för arbetarklassen framgångar.

Att arbetsköparen attackerar mot våra största maktmedel inte är alls någon slump, det är början av en större attack mot vår organisationsrätt och alla framgångar. Vi ser nu att de flesta parlamentariska partier attackerar hela arbetsrätten för kapitalets bästa.

Kapitalister med sina liberala parasiter vill tysta arbetare och vill få billigare arbetskraft. De kämpar för mer makt och för att få möjlighet att ge lägre lön och sämre anställningsvillkor samt teckna billigare avtal.

Vi behöver stå starka mot inskränkning av strejkrätten och fortsätta kampen för bättre arbetsrätt. Inte bara försvara utan med hjälp av vår styrka ändra på maktförhållandet för arbetarna och arbetande folkets intresse.

Vi lever i en tid då sociala rörelser och arbetarklassen i spetsen kan ändra på den ohållbara situationen för majoriteten. Vi behöver även förnya våra fackföreningar, ta lärdom av hamnarbetarnas organisations form och kamp. Enighet är viktigt för att vi kan ta tillbaka våra ockuperade organisationer och med medlemmars delaktighet och inflytande kämpa för våra rättigheter och intressen.

Vi arbetare behöver förnya och modernisera våra organisationer där vi själva bestämmer, gemensamt och kollektivt, där vi själva väljer och av-

sätter de som inte för fram vår talan, där vi själva deltar aktivt både i arbetslivet och i allt som rör samhället.

Den omedelbara uppgiften är att organisera arbetarklassens sociala kamp mot nedskärningar och försämringar, mot inskränkning av arbetsrätten och strejkrätten, arbetarna behöver organisera sig på olika sätt för allas rätt till välbefinnande och välfärd.

Det behövs en mer offensiv organisering mot hela borgarklassen, och varför inte ständigt protestera och strejka tills de tar tillbaka sina kriminella förslag om strejkrätten och försämring av arbetsrätten!

Vår enighet är vår styrka och strejkrätten är vårt viktigaste vapen mot brott och kriminella handlingar från arbetsköparna.

Låt mig till sist säga att jag är aktiv i Iransk – svenska arbetarsolidaritetskommittén och har fått information att Islamiska kapitalistiska regimen i Iran med hjälp av sina gardister och beväpnade styrkor har arresterat över 30 personer på första maj firande i Tehran. I år har Bussförarna, sockerarbetarna, lärarna, pensionärer och studenter har organiserat första maj manifestation tillsammans. Men som ni vet saknas organisationsrätt och strejkrätt i Iran, då är detta är ett fakta att så kan det gå så illa för oss med om vi inte tar kampen för våra rättigheter och rätten till strejk på allvar, därför är det viktigt att vi tillsammans stå stark för våra självklara och grundliga rättigheter.

**Leve arbetarklassen
Leve strejkrätten**

